

جلوه‌های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه علیها السلام در مکتب حسینی

دکتر علی فارسی مدان^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۲

چکیده

حضرت رقیه علیها السلام که تربیت یافته عزت حسینی و عفت زینبی بود، نکات و جلوه‌های تبلیغی و تربیتی را ترسیم فرمود. مقاله حاضر در پی آن است که در جلوه‌های تبلیغی، نکات تبلیغی مانند پیام‌رسانی، احیای امر اهل بیت، رسوا کردن هیئت حاکمه، حمایت از مظلوم و جنبه هدایتی را تبیین و تشریح کند و نیز به برخی روش‌های کاربردی تبلیغی مستفاد از سیره حضرت رقیه علیها السلام همچون روش همراهی و روش فرصت‌شناسی اشاره کند. همچنین در جلوه‌های تربیتی، به مباحث مهم حوزه تربیت، از جمله معرفت‌شناسی، صبر و استقامت، گذشت و ایثار، پایبندی به اصول و سبک زندگی اسلامی اشاره خواهند کرد. **کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، حضرت رقیه علیها السلام، تبلیغ، تربیت.

۱. فارغ‌التحصیل سطح چهار حوزه علمیه قم، نویسنده و پژوهشگر (alifarsimadan98@gmail.com)

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

حضرت رقیه علیها السلام فرزند خردسال امام حسین علیه السلام و مادرایشان امّ اسحاق علیها السلام است. متأسفانه در برخی تواریخ، نام ایشان ذکر نشده است؛ اما بزرگان دین به اثبات وجود ایشان پرداخته و در برخی مقاتل، نام رقیه بیان شده است. حتی برخی محدثان و مورخان از شخصی به نام رقیه علیها السلام ذکری به میان آورده اند که گزارش های موجود، حضرت رقیه علیها السلام را با قطع و یقین به اثبات می رساند و جای شک و تردیدی باقی نمی گذارد. در نهایت به نقل از منابع معتبر، ایشان در شام و در اوج مظلومیت و غربت، در کنار سر بریده پدر به شهادت رسید و بارگاه کوچک و منور او سندی دیگر از مظلومیت امام حسین علیه السلام برای جهانیان رقم زد و ماهیت پلید یزید را برای افکار عمومی روشن ساخت. این پژوهش در صدد آن است با واکاوی سیره علمی و عملی حضرت رقیه علیها السلام به صورت روشی و کاربردی، نقش تبلیغی و تربیتی ایشان را در مکتب حسینی و بیان دستاوردهای حماسه عاشورا تبیین و تشریح نماید.

۲-۱. سؤالات تحقیق

الف) سؤال اصلی: جلوه های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه علیها السلام در مکتب حسینی چیست؟

ب) سؤالات فرعی

چرا امام حسین علیه السلام خانواده خود را به کربلا برد؟ چرا باید به حمایت از مظلوم پرداخت؟ اسناد قرآنی و روایی حمایت از مظلوم چیست؟ چه روش های کاربردی تبلیغی و تربیتی در سیره علمی و عملی حضرت رقیه علیها السلام وجود دارد؟ ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟ و...

۳-۱. روش تحقیق

روش این مقاله، به صورت پژوهش کتابخانه ای است و نیز از روش توصیفی و تحلیلی

استفاده شده است.

۴-۱. ضرورت پژوهش

درباره حضرت رقیه علیها السلام کتاب‌هایی تألیف شده است که در آنها به صورت مشخص به اثبات حضرت رقیه علیها السلام، ولادت و نحوه شهادت و ورود ایشان به کربلا و حوادث آن و... اشاره نموده‌اند. اما در هیچ نوشتاری به صورت روشی و هدفمند به موضوع این تحقیق پرداخته‌اند. لذا ضروری است با مطالعه سیره علمی و عملی آن حضرت علیها السلام و کتب علما و اندیشمندان و نویسندگان محترم به صورت موجز به نقش تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه علیها السلام پرداخته شود تا برای محققان، طلاب و دانشجویان، مبلغان دینی و مربیان قابل استفاده باشد و زسیره آن حضرت علیها السلام روش‌های کاربردی استخراج گردد.

۵-۱. پیشینه تحقیق

با مراجعه به اسناد علمی مرتبط با حضرت رقیه علیها السلام روشن می‌گردد که درباره حضرت رقیه علیها السلام کتبی با عناوین حضرت رقیه علیها السلام فرزند سیدالشهدا امام حسین علیه السلام (حضرت آیت الله جعفر تبریزی)، سرگذشت جانسوز حضرت رقیه علیها السلام (محمد محمدی اشتهاردی)، ریحانه کربلا، تحقیق در زندگانی و بارگاه حضرت رقیه علیها السلام (عبدالحسین نیشابوری)، داستان غم‌انگیز حضرت رقیه علیها السلام (علی شیرازی)، رقیه بنت الحسین علیها السلام در انساب و تاریخ (محمد حسن پاکدامن)، داستان‌هایی از مصائب و کرامات حضرت رقیه علیها السلام (عباس عزیززی) و... همچنین نوشتارهایی کوتاه به نگارش درآمده است. اما درباره موضوع این تحقیق هیچ کتاب و مقاله‌ای یافت نشد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. مفهوم رقیه

رقیه از «رقی» در لغت به معنای صعود و بالا رفتن است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۳۱). اما در اصطلاح، نام دختر امام حسین علیه السلام است. اگرچه مورخان از حضرت رقیه علیها السلام

ذکری نیاورده‌اند، اما نقل شده است وقتی امام حسین علیه السلام روز دوم محرم به کربلا رسید و از نام آن جا باخبر شد، فرمود:

انزلوا، هاهنا والله محط رکابنا و سفك دماننا، هاهنا والله محط قبورنا، و هاهنا والله سبی حریمنا، بهذا حدّثنی جدی؛

فرود آید! به خدا که این جا جای فرود آمدن و ریختن خون‌های ماست و این جا جایگاه قبور ماست. به خدا که این جا جای به اسارت رفتن حرم ماست و این خبر را جدم به من داده است.

سپس میان امام علیه السلام و اهل حرم گفت و گویی انجام شد و حضرت زینب علیها السلام از شهادت امام حسین علیه السلام مطلع شد، زنان گریه و زاری کردند که حسین علیه السلام خواهر خویش حضرت ام‌کلثوم را تسلی داد و فرمود:

یا اختاه تعزّی بعزاء الله، فإنّ سکان السموات یموتون و اهل الارض لا یبقون و جمیع البریة یمهلکون، یا اختاه یا امّ کلثوم! و انت یا زینب و انت یا رقیة و انت یا فاطمه و انت یا رباب! انظرن اذا انا قتلت فلا تشققن علیّ جیبا و لا تخمشن علیّ وجهها و لا تقلن علیّ هجرا! (نک: ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۲۲ - ۱۲۴)

خواهرم! خود را به آرامش خدا تسلی ده، چه ساکنان آسمان‌ها می‌میرند و زمینیان به جای نمانند، و ما سوی الله به مرگ گرفتار آئیند. خواهرم ام‌کلثوم! و تو ای زینب! و تو ای رقیه! و تو ای فاطمه! و تو ای رباب! بنگرید بعد از شهادتم مبادا گریبانی چاک زیند یا چهره‌ای بخراشید، یا سخنانی ناروا بر زبان رانید.

همچنین سید امین نام ایشان را در کتاب خود ذکر کرده و می‌گوید:

در محله العمارة دمشق قبر و مشهدی که زیارتگاه است و به او منسوب است، میرزا علی اصغر خان صدراعظم ایران در سال ۱۳۲۳ هجری آن را تجدید بنا نمود. (امین، ۱۴۰۶: ۷/ ۳۴)

۲-۲. تبلیغ

الف) در لغت: واژگان «تبلیغ، بلاغ و ابلاغ»، در لغت از یک ریشه بوده و به معنای

«رسانیدن» هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۴۱۹).

راغب اصفهانی نیز می‌نویسد:

البُلُوغُ والبَلَاغُ، به انتهای هدف و مقصد رسیدن و یا انجام دادن کاری در پایان زمان و مکانی معین و بساگاهی مقصود از بلوغ یعنی به پایان رسیدن، تسلط یافتن و اشراف داشتن به چیزی، تعبیر شود هر چند که به انتهایش نرسیده باشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۴)

ب) در اصطلاح: شهید مطهری درباره اصطلاح تبلیغ می‌گوید:

تبلیغ از ابلاغ است و ابلاغ رساندن یک فکریا یک پیام است. یعنی در مورد رسانیدن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی به کار می‌رود، لذا محتوای ابلاغ نمی‌تواند یک امر عادی و جسمانی باشد، حتماً یک امر معنوی و روحی است، یک فکر و یک احساس است، پس تبلیغ یعنی رساندن یک پیام از کسی به کسی دیگر. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۲۱)

۲-۳. تربیت

الف) در لغت: واژه «تربیت» از دوریشه «ربو» یا «ربب» گرفته شده است. البته لغت دانان در این که کدام یک، ریشه اصلی و فرعی است؛ اختلاف نظر دارند. «تربیت» اگر از ریشه «ربو» باشد، به معنای رشد، نمو و فزونی است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۷۴). حال اگر تربیت از این ریشه گرفته شده باشد، بیشتر به پرورش جسمانی و مادی مربوط است.

اما اگر از ریشه «ربب» باشد، «رب» در اصل به معنای تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶). پس تربیت از ریشه «ربب» معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، چیزی را ایجاد کردن و به تدریج، از حالت نقص به حد تمام رساندن و هدایت چیزی به سمت کمال و... دارد. بنابراین به نظر

می‌رسد معنای تربیت از ریشه «ربب» تدبیر چیزی برای کشاندن آن به سوی کمال است و در معانی دیگر، به معنای تدبیر به منظور هدایت به سوی کمال است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۹).

ب) در اصطلاح: تربیت عبارت است از «پرورش دادن» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶)؛ «پرورش در جهت رشد و کمال» (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۲ / ۴۳۷) و «استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶).

۳. جلوه‌های تبلیغی

۳-۱. پیام رسانی و دفاع از حقیقت

یکی از سؤالات پژوهش که همواره از گذشته تا امروز مطرح می‌شود این است که چرا امام حسین علیه السلام خانواده خود را با کودکانی همچون حضرت رقیه علیها السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام به کربلا برد؟

با مطالعه تاریخ نهضت حسینی و واقعه عاشورا، روشن می‌گردد که همراهی خانواده امام حسین علیه السلام به ویژه کودکان و حضرت امام سجاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام تأثیری مثبت و جهانی در نهضت حسینی داشت و یکی از عوامل پیروزی قیام حسینی بود؛ زیرا خانواده امام حسین علیه السلام توانستند کار ناتمام امام علیه السلام را با سختی و تحمل اسارت به پایان رسانده و پیام و اهداف و ماهیت قیام و حادثه کربلا را به گوش مردم و دشمنان برسانند. در این میان حضرت رقیه علیها السلام به مقدار توان و حضور خویش در کربلا و شام، نقش تبلیغی در پیام رسانی و دفاع از حق و حقیقت داشته است. ماجرای خرابه شام و جان دادن دختر سه یا چهارساله امام حسین علیه السلام در آن جا با آن وضع دلخراش و رقت بار و سپس برپا شدن آن بارگاه بسیار باشکوه بر قبرش، در حالی که از آن همه شوکت ظاهری بنی امیه چیزی در آن جا باقی نمانده، درس عبرتی بسیار مهم برای همه عبرت بینان شده است که چگونه آن کاخ‌های با عظمت امویان ویران گشت و اثری از آن باقی نماند، ولی آن خرابه به برکت طفل چهارساله‌ای از خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این‌گونه آباد شد (مکارم شیرازی، بی تا: ۶۱۴). این نحوه شهادت در تاریخ ماندگار شد و هر کس به این موضوع بیندیشد، به یاد



امام حسین علیه السلام و اهداف و ماهیت قیام حسینی خواهد افتاد.

در پایان این بخش به دو نکته مهم اشاره می‌گردد:

نکته نخست: نباید از نقش تبلیغی و جهادی کودکان در کربلا و نهضت حسینی غافل شد. کودکانی مانند حضرت زقیه علیها السلام، حضرت علی اصغر علیه السلام، حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام و... توانستند چهره واقعی و بزک کرده دشمن را برای افکار عمومی و فریب خوردگان روشن کنند. آنان جزئی از عوامل موفقیت امام حسین علیه السلام در پیام‌رسانی و دفاع از حقیقت اسلام بودند.

نکته دوم: خانواده در موفقیت افراد و به ویژه مبلغان دینی نقش ممتازی را ایفا می‌کنند؛ چنان‌که خداوند در آیه کریمه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا/ ۲۱۴) دستور می‌دهد خویشاوندان نزدیک را انداز کن و از شرک و مخالفت فرمان پروردگار بترسان؛ زیرا بدون شک برای دست زدن به یک برنامه انقلابی گسترده باید از حلقه‌های کوچک‌تر و فشرده‌تر شروع کرد و چه بهتر این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخستین دعوت خود را از بستگانش شروع کند که هم سوابق پاکی او را بهتر از همه می‌شناسند و هم پیوند محبت خویشاوندی نزدیک ایجاب می‌کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند، و از حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها و انتخاب موضع خصمانه، دورترند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۳۶۶ - ۳۶۷).

۲-۳. احیای امراهل بیت علیهم السلام

در آموزه‌های دینی، براهمیت احیای امراهل بیت علیهم السلام و تعظیم شعائر دینی بسیار توصیه شده است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام فرمودند:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۱/۳۰۷)

رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده گرداند. [راوی می‌گوید:] عرض کردم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: تعالیم ما را فراگیرد و آنها را به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند، بی‌گمان از ما پیروی خواهند کرد.

براین اساس، زیارت اماکن متبرکه به ویژه ائمه معصومین علیهم السلام و امامزاده‌ها از جمله مرقد حضرت رقیه علیها السلام و نیز نقل احادیث و بیان معارف و رساندن کلمات و علوم ائمه علیهم السلام به مردم باعث احیای امر اهل بیت علیهم السلام می‌شود. گفتنی است، احیای امر اهل بیت علیهم السلام و تعظیم شعائر دینی و حسینی باعث هدایت و نجات افراد می‌شود. بنابراین ذکر و یاد حضرت رقیه علیها السلام، زنده نگه داشتن واقعه کربلاست که در میان اسرای اهل بیت علیهم السلام دختر کوچکی از سیدالشهدا علیه السلام بوده که در شام به لقاء الله نائل شد و این قبر نشانه و سندی بر مرور اسراری اهل بیت علیهم السلام در شام است و با وجود این قبر شریف، مخالفان نتوانستند این واقعه را انکار نمایند. لذا برگزاری مجالس عزاداری برای ائمه علیهم السلام و اولادگرامی ایشان از جمله حضرت رقیه علیها السلام باعث می‌شود دل عزاداران مؤمن در روزی که دل‌ها می‌میرند، زنده بماند (تبریزی، بی تا: ۱۲۴). امام رضا علیه السلام در جایی دیگر فرمود:

مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ (صدوق: ۱۳۷۶: ۷۳)
هرکس در مجلسی بنشیند که در آن یاد ما (اهل بیت) زنده می‌شود، قلبش در روزی که قلب‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

بنابراین زیارت و عزاداری حضرت رقیه موجب تعظیم شعائر دینی و احیای امر اهل بیت علیهم السلام است و چنین افرادی مشمول دعای ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ چنان که امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود:

... فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا. مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ، عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ؛ (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۶)

پس یاد ما را زنده کنید؛ که هرکس از ما یاد کند یا در حضور او از ما یاد شود و به اندازه پرمگسی اشک از دیدگانش بیرون آید خداوند گناهان او را بیامزد، حتی اگر بیشتر از کف دریا باشد.

۳-۳. رسوا ساختن هیئت حاکمه

بنی امیه به حکومت و سلطنت خود رنگ دینی می‌دادند و به نام اسلام و جانشینی

پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی حکومت می‌کردند و با شیوه‌های گوناگون مانند جعل حدیث، جذب شعرا و محدثان و... جهت تثبیت موقعیت دینی خود در جامعه می‌کوشیدند (پیشوایی، ۱۳۷۹: ۲۱۴). اما حضرت رقیه علیها السلام به خاطر سختی‌ها و عذاب‌هایی که در کربلا کشیده و نیز در ماجرای خرابه شام، نقاب از چهره واقعی دشمنان اسلام همچون یزید و عبیدالله بن زیاد برداشت و مردم را از خواب غفلت بیدار کرد و به همراه برادرش، امام سجاد علیه السلام و عمه بزرگوارش، حضرت زینب کبری علیها السلام توانستند مسلمانان را از فجایع زشت و عملکرد نامناسب یزید آگاه و آشنا نمایند. بهترین سند و دلیل بر عملکرد حضرت رقیه علیها السلام در افشاگری ماهیت ظالمانه یزید، نحوه برخورد و رفتار یزید با حضرت رقیه علیها السلام بود؛ چنان‌که وقتی اسرا را در خرابه شام جای دادند، شبی حضرت رقیه علیها السلام خواب پدرش امام حسین علیه السلام را می‌بیند، همین‌که از خواب بیدار می‌شود شروع به گریه و زاری می‌کند، اهل حرم و اسرا نیز به یاد مظلومیت امام حسین علیه السلام افتاده و اندوهگین شدند و گریه می‌کردند. یزید صدای گریه و شیون آنان را شنید، گفت: چه خبر است؟ گفتند: دختر امام حسین علیه السلام پدرش را در خواب دیده و اکنون بیدار شده و بهانه پدر را گرفته و گریه می‌کند. یزید در اوج ظلم و قساوت دستور داد سر بریده پدر را برای دختر سه ساله ببرند (نک: حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

۳-۴. حمایت از مظلومیت

یکی از جلوه‌های زیبای مکتب حسینی که توسط حضرت رقیه علیها السلام رقم خورد، حمایت از مظلوم است. حضرت رقیه علیها السلام با توجه به این‌که خردسال بودند، اما در واقعه عاشورا و نهضت حسینی به مقدار توان خود توانستند نقش آفرینی کنند و حمایت خویش را از مظلومیت و حقانیت امام حسین علیه السلام اعلام داشتند. این نقش و جلوه‌گری به تبعیت از آموزه‌های دینی است؛ چنان‌که یکی از سؤالات پژوهش این است که چرا باید از مظلوم و کشورهای مظلوم حمایت کرد؟ آیا این در آموزه‌های دینی وارد شده است؟

در پاسخ می‌توان گفت یکی از دستورات قرآنی، حمایت از مظلوم است. در این جا به دو آیه شریفه استناد می‌کنیم:

۱. خداوند در آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱ به صراحت در فراز ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ﴾ فرموده است: «هرگاه این گروه (مؤمنان غیر مهاجر) از شما به خاطر حفظ دین و آیینشان یاری بطلبند (یعنی تحت فشار شدید دشمنان قرار گیرند) بر شما لازم است که به یاری آنها بشتابیدن (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴: ۷/ ۲۵۷).

۲. آیه شریفه ﴿مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۲ مسلمانان را به جهاد و حمایت از مظلوم و مستضعف تشویق می‌کند؛ زیرا مسلمانان باید نسبت به هم، غیرت و تعصب مکتبی داشته باشند و در برابر ناله‌ها و استغاثه‌ها بی تفاوت نباشند، و از اهداف جهاد اسلامی، تلاش برای رهایی مستضعفان از سلطه ستمگران است. چنان که اسلام مرز نمی‌شناسد، هر جا که مستضعفی باشد، جهاد [و حمایت از مظلوم نیز] هست (قرآنی؛ ۱۳۸۳: ۲/ ۳۲۹).

در روایات نیز بر حمایت از مظلوم در برابر ظالم توصیه شده است. در این جا به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي

۱. کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ‌گونه ولایت [دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک محاصمه) است و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست. (انفال / ۷۲)

۲. چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟، همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خود یار و یاور تعیین فرما. (نساء / ۷۵)

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَنْصُرُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ نُصْرَتِهِ إِلَّا وَنَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ نُصْرَتِهِ إِلَّا خَدَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۴۷-۱۴۸)

هیچ مؤمنی بر مؤمن ستم‌دیده‌ای یاری نرساند جز آن‌که این کار او برتر از دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام باشد و هیچ مؤمنی نباشد که توان مدد و یاری رساندن به برادر مؤمنش را داشته باشد و بر او یاری رساند جز آن‌که خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند و هیچ مؤمنی نباشد که توان یاری رساندن به برادر مؤمنش را داشته باشد و او را بدون یاری رها کند جز آن‌که خداوند او را در دنیا و آخرت [به حال خود] رها می‌کند.

۲. امام باقر علیه السلام در ذیل آیه شریفه «وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء / ۷۵) می‌فرماید: «مقصود از مستضعفانی که در تحت حکومت ظالمانند، ما هستیم» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۵۷). بر این اساس، امام حسین علیه السلام مصداق آیه شریفه است.

بنابراین حضرت رقیه علیها السلام و سایر کودکان و اهل بیت علیهم السلام نیز بر اساس آموزه‌های دینی، به نوعی با حضور در واقعه کربلا و تحمل اسارت و بیان حقائق کربلا و افشاگری به حمایت و دفاع از مظلوم پرداختند.

حضرت رقیه علیها السلام وقتی در خرابه شام سربریده پدر را دید، شروع به صحبت کرد و با سخنان حمایت‌گونه خود یزید را به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام سرزنش نمود. حضرت رقیه علیها السلام در فرازهایی فرمود: «بابا! این زنان مصیبت‌زده را چه کسی حمایت خواهد کرد؟ بابا! این زن‌های غریب و اسیر به که پناه ببرند؟ بابا! چه کسی به این چشم‌های گریان ترحم می‌کند؟... بابا! کاش قبل از این نابینا شده بودم و تورا به این حال نمی‌دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی‌دیدم که محاسن شریفیت از خون سرت رنگین شده!» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

حضرت رقیه علیها السلام با این سخنان آتشین و جانگداز خویش، بر همگان ثابت نمود که پدر

بزرگوارش غریبانه و مظلومانه به شهادت رسیده است. او که کودکی خردسال، اما تربیت شده مکتب حسینی بود، با زبانی رسا به افشاگری واقعه کربلا و حمایت از امام حسین علیه السلام پرداخت که نتیجه آن رسوایی یزید شد و همگان با مرور خاطرات کربلا و عاشورا، به عزاداری و گریه و زاری در خرابه شام پرداختند. او با شهادت خود در شام، تا ابد این سؤالات را در اذهان عموم باقی گذاشت که با دیدن بارگاه آن حضرت از خود پرسند: گناه این کودک چه بود که غریبانه در این جا جان داد؟ آیا کودک تحمل دیدن سر بریده پدرش را داشت؟ چرا یزید و عبیدالله بن زیاد با فرزندان رسول خدا این گونه برخورد کردند؟

۳-۵. هدایت کننده و جذب قلوب

از دیگر ویژگی‌ها و جلوه‌های حضرت رقیه علیها السلام وسیله هدایت مردم و جذب قلوب مردم به اهل بیت علیهم السلام است. این ویژگی از خصائص بزرگ اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، امام حسین علیه السلام را چراغ هدایت و کشتی نجات معرفی کرد و فرمود:

إِنَّ الْحُسَيْنَ مُصْبِحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ. (بحرانی، ۱۴۱۳: ۴/ ۵۲)

کشتی نجات است، چون یکی از دو ثقلی است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای امت خود باقی گذاشت و فرمود:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُجَّ فِي النَّارِ؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۶: ۵۷)

مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است؛ هر کس سوار آن شود نجات می‌یابد و هر کس از آن تخلف ورزد، داخل آتش جهنم می‌افتد.

بنابر روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت علیهم السلام خصلت هدایتگری و جذب قلوب مردم را دارند. حضرت رقیه علیها السلام که علاقه شدیدی به امام حسین داشت و امام علیه السلام نیز او را بسیار دوست می‌داشت (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰) دارای این ویژگی و جلوه خاص است. همچنین یکی دیگر از راه‌های هدایت و تسخیر قلوب مردم و کشاندن آنها به سوی اهل بیت علیهم السلام تبیین و تبلیغ سخنان گهربار ائمه معصومین علیهم السلام است. در اهمیت این موضوع،

امام رضا علیه السلام در روایتی فرمود:

رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرًا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا
النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۰۷)

رحمت الهی شامل حال آن کسان باد که امر ما را زنده می‌کنند. [راوی می‌گوید]:
گفتم: چگونه امر شما را زنده کنند؟ فرمود: علوم ما را فرامی‌گیرند، آن‌گاه به مردم
می‌آموزند؛ زیرا اگر مردم تعالیم والای ما را دریابند، راه ما را درپیش گیرند.

۳-۶. روش‌های کاربردی تبلیغی

۳-۶-۱. فرصت‌شناسی

یکی از اصول و روش‌هایی که درسیره حضرت رقیه علیها السلام وجود دارد، روش
فرصت‌شناسی است. این روش، یکی از روش‌های کاربردی و موثر در امر مقدس تبلیغ
برای مبلغان به شمار می‌رود. لذا در تبلیغ، هدف عمده مبلّغ نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار،
عواطف، تمایلات و در نهایت تغییر در اندیشه و رفتار مخاطبان است. البته برای
تأثیرگذاری بر افکار و رفتار مخاطبان، قبل از هر اقدامی باید آنان را شناخت و نسبت به
شناسایی عناصر و اجزای تشکیل دهنده رفتار اقدام کرد.

از وظایف مبلّغ در یک عملیات تبلیغی، شناخت آرمان‌ها، حساسیت‌ها، ارزش‌ها،
خصوصیات روانی، نقاط قوت، نقاط ضعف، موقعیت و اوضاع اجتماعی، فرهنگی،
سیاسی و مذهبی، و تفکرات مخاطبین است. مبلّغ با شناخت برخی مقدمات می‌تواند
از فرصت‌ها و موقعیتی که در گذشته آنها را شناخته و ارزیابی کرده، در جهت اهداف
تبلیغی خود به کار بندد.

یکی از جلوه‌های زیبای تبلیغی حضرت رقیه علیها السلام، معرفی روش فرصت‌شناسی برای
تبلیغ نهضت حسینی و پیام‌های عاشورا بود. حضرت رقیه علیها السلام به اقتضای سن شریف از
این روش به نحو احسن استفاده نمود که اوج آن در ماجرای خرابه شام رخ داد. وقتی یزید
ظالمانه دستور داد سر مبارک امام حسین علیه السلام را برای دختر خردسالش آوردند، حضرت
رقیه علیها السلام از این فرصت نهایت بهره را برد و به افشاگری چهره یزید و ظلم‌هایی که به اسرا

وارد کرده بود، پرداخت و در این فرصت با طرح سؤال‌هایی از پدر و گفتن سختی‌ها، مظلومیت امام حسین علیه السلام و ظلم‌هایی که به امام علیه السلام روا داشته بودند را بیان نمود و چهره ظالمانه و منفوریزید را برملا ساخت (نک: حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). حتی حضرت رقیه علیها السلام با شهادت مظلومانه خود، این فرصت را برای حضرت زینب علیها السلام و اسرای شام مهیا ساخت تا آنان با سوگواری و عزاداری و گریه برای حضرت رقیه علیها السلام، بار دیگر حادثه کربلا زنده شد و به یاد امام حسین علیه السلام افتادند. همچنین یزید بعد از رسوا شدن، به اهل بیت علیهم السلام اجازه داد برای امام حسین علیه السلام سوگواری کنند (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۷۷).

۳-۶-۲. همراهی

یکی دیگر از روش‌های مستفاد از سیره علمی و عملی حضرت رقیه علیها السلام، روش همراهی است. در این روش، کارشناسان تبلیغات، به ظاهر در بخشی از افکار و عقاید با مخاطبان خود همراه و همسو می‌گردند، به ناراحتی، شکایات و طرح موضوعات توسط آنان علاقه نشان می‌دهند و با اجرای برنامه‌های متنوع و تحریک زمینه‌های انفعالی ایشان در جلب توجه و جذب افکار عمومی می‌کوشند. مجریان پس از اقتدار و تسلط کافی، در فرصتی مناسب با گفتن نکات مهم و حساب شده به مخاطبان، آنان را به سوی اهداف مورد نظر خود متمایل می‌کنند و افکار عقاید، احساسات و رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انعطاف‌پذیری، خویش‌تن‌داری و پرهیز از پرخاش، تسلیم احساسات نشدن، توان بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های ایجاد شده از ارکان اصلی و اساسی این روش برای انتقال پیام و تأثیرگذاری عمیق بر گیرندگان و مخاطبین است (کرمی، ۱۳۸۵: ۷۲).

این روش به زیبایی در شام توسط حضرت رقیه علیها السلام خودنمایی کرد. حضرت رقیه علیها السلام با روش همراهی، به زیبایی مصیبت‌های امام حسین علیه السلام در کربلا و کاروان اسرا را به تصویر کشاند. حضرت رقیه علیها السلام وقتی در خرابه شام سر مبارک پدر را دید، با همراهی کردن خود با امام حسین علیه السلام حادثه تلخ کربلا و اسارات را برای همگان بازگو کرد و نقاب از چهره واقعی یزید برداشت.

حضرت رقیه علیها السلام با سؤالاتی که از پدر پرسید، همگان را متوجه خطای بزرگ و

محاسباتی عاملان شهادت امام حسین علیه السلام کرد تا دیگران بدانند امام حسین علیه السلام و یاران شهیدش مظلومانه و غریبانه و ظالمانه به شهادت رسیده‌اند. سپس با سخنان معرفتی خود ضربه نهایی و رسواکننده را به یزید وارد ساخته و فرمود:

بابا! بعد از تو کسی را نداریم. وای از تنهایی و غریبی! بابا! کاش من فدایت شده بودم. بابا! کاش قبل از این نابینا شده بودم و تو را به این حال نمی‌دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی‌دیدم که محاسن شریفیت از خون سرت رنگین شده.
(حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰-۳۴۱)

حضرت رقیه علیها السلام در این روش، به وسیله همراهی با امام حسین علیه السلام ماهیت یزید را برملا ساخت و مصائب و یاد کربلا را زنده نگاه داشت.

۴. جلوه‌های تربیتی

نهضت و قیام امام حسین علیه السلام پس از واقعه کربلا وارد مرحله حساس تاریخی شد و اهل بیت علیهم السلام به اسارت برده شدند و از شهرهای کوفه و شام عبور کردند. اگر اسرا نقش خود را درست ایفا نمی‌کردند، نهضت امام حسین علیه السلام در تاریخ نابود می‌شد و مردم و آیندگان از اهداف و ماهیت نهضت حسینی آگاه نمی‌شدند؛ اما حضور پررنگ اسرا و اهل بیت علیهم السلام به قیام حسینی، جانی تازه بخشید. یکی از زیبایی‌های کربلا و اسارت کاروان اهل بیت علیهم السلام درخشندگی جلوه‌های تربیتی مکتب حسینی بود که هریک از اسرا بازیگر آن بودند. در این میان، حضرت رقیه علیها السلام با حضور خود در کربلا و شام نکات تربیتی را برای تاریخ به یادگار گذاشتند.
در این بخش درصدد آن هستیم به ابعاد تربیتی زندگانی حضرت رقیه علیها السلام اشاره کنیم.

۴-۱. معرفت و شناخت

یکی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام، بُعد معرفتی ایشان است. این شناخت و معرفت، برگرفته از مکتب حسینی است. حضرت رقیه علیها السلام گرچه خردسال است، اما تربیت شده امام حسین علیه السلام است و معرفت و بینش عمیق دینی دارد.

در بخشی از زیارت نامه حضرت رقیه علیها السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ،
السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمُرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ
أَيُّهَا الرِّكْبَةُ الْفَاضِلَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ؛ (تبریزی، بی تا: ۲۶)

سلام بر تو ای دختر حسین شهید. دعا نثارت ای که هستی راستگو و حاضر در دینت. سلام بر تو ای که از راهت راضی بودی و خدا از مسیرت خشنود. در برابرت خاضع ای پرهیزکار و پاکیزه تن و تحیت بر تو ای تزکیه شده برتر، تسلیم مقام توام، ای که بودی در مظالم و با ارزشت همه را تحمل کرده افشا نمودی.

در این فرازها، معرفت و شناخت حضرت رقیه علیها السلام در باب توحید و امام شناسی روشن است. ایشان با تعابیری، همچون صداقت در دین، خشنود بودن خدا از ایشان، حرکت در مسیر خداوند، پاکیزه، تسلیم در برابر خداوند، صبوری در راه دین و... توصیف شده است که بیانگر معرفت و شناخت حضرت رقیه علیها السلام در مدرسه و مکتب حسینی است.

فراز «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ»، سند مظلومیت حضرت رقیه علیها السلام به شمار می آید که از آن می توان به مظلومیت و حقیقت امام حسین علیه السلام و مظلومیت اسرای اهل بیت علیهم السلام پی برد.

فراز «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ»، بیانگر آن است که حضرت رقیه علیها السلام در خانواده ارزشی و محیطی سالم، رشد و پرورش یافته است که فضایل اخلاقی مانند صداقت، پاکیزه، تقوا، فاضله و... را فرا گرفته است.

فرازهای «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمُرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرِّكْبَةُ الْفَاضِلَةُ» دلیلی محکم بر معرفت و شناخت بالای حضرت رقیه علیها السلام است که به چنان مقام و مرتبه ای رسیده است که با وجود سن کم، به جایگاه شهید دست یافته که خداوند از او راضی است.

حضرت رقیه علیها السلام چنان به مقام «راضی به رضای الهی» و «تسلیم در برابر خداوند» رسیده است که وقتی در خرابه شام سر مبارک پدر را می بیند، از وضع خود گله و شکایت نمی کند، بلکه با سخنان و طرح پرسش هایی از پدر مانند «بابا! سرت را چه کسی به خون

خضاب کرد؟ بابا! چه کسی رگ های گلوی تو را برید؟ و...» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰)، به تبیین و حقیقت واقعه کربلا می پردازد و قیام و نهضت حسینی را زنده نگاه می دارد. چنان که صالح بن حمید نقل می کند: بعضی از بزرگان می گویند، هنگامی که خیمه ها را آتش زدند و اهل بیت روبه فرار نهادند، دختری کوچک گوشه جامه اش آتش گرفته، سراسیمه می گریست و به اطراف می دوید و اشک می ریخت. مرا به حالت اورح آمد. به نزد او تاختم تا آتش جامه اش را فرونشانم. همین که صدای سم اسب من را شنید اضطرابش بیشتر شد. گفتم: ای دختر! قصد آزارت ندارم. به ناچار با ترس ایستاد. از اسب پیاده شدم و آتش جامه اش را خاموش نمودم و او را دلداری دادم. فرمود: ای مرد! لب هایم از شدت عطش کبود شده، یک جرعه آب به من بده. از شنیدن کلام رقتی تمام به من دست داد و ظرفی پر از آب به او دادم. آب را گرفت و آهی کشید و آهسته روبه راه نهاد. پرسیدم: عزم کجا داری؟ فرمود: خواهر کوچک تری دارم که از من تشنه تر است. گفتم: نترس، زمان منع آب گذشت، شما بنوشید.

گفت: ای مرد! بابایم حسین علیه السلام تشنه بود، آیا آبش دادند یا نه؟!

گفتم: ای دختر! نه والله، تا دم آخر می فرمود: جرعه ای آب به من بدهید، ولی کسی او را آبش نداد، بلکه جوابش را هم ندادند.

وقتی که آن دختر این سخن را شنید، آب را نیاشامید (تبریزی؛ بی تا: ۲۷۶).

این روایت نشانگر معرفت دختر سه ساله به امام خویش است.

همچنین حضرت رقیه علیها السلام با طرح سؤال هایی مانند: «بابا! این زنان مصیبت زده را چه کسی حمایت خواهد کرد؟ بابا! این زن های غریب و اسیر به که پناه ببرند؟ بابا! چه کسی به این چشم های ترحم می کند؟ بابا! چه کسی از زن های غریب تفقد می کند؟ بابا! این زن های پریشان حال به چه کسی روکنند؟» (همو)، به مصیبت ورنج کاروان اسرا و وضعیت اسفناک خرابه شام و اسارت اشاره می کند.

یا پرسش هایی مانند «بابا! کاش من فدایت شده بودم. بابا! کاش قبل از این نابینا شده بودم و تو را به این حال نمی دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی دیدم که محاسن شریف از خون سرت رنگین شده.» (حائری مازندرانی: ۳۴۰-۳۴۱)، اوج معرفت و

شناخت حضرت رقیه علیها السلام را می‌رساند که دوست داشت به مقام شهید و جانبازی در راه امام حسین علیه السلام دست پیدا کند، که البته با معرفت الهی خویش به آن دست یافت. حتی چنان معرفتی پیدا کرد که با شهادت خویش، بستری مناسب برای زنده نگه داشتن امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا آماده کرد (نک: همو: ۳۴۱)

۲-۴. صبر و استقامت

از دیگر جلوهای تربیتی حضرت رقیه علیها السلام، صبر و استقامت است. این ویژگی برگرفته از آموزه‌های قرآنی و مکتب حسینی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ توعَدُونَ﴾؛ (فصلت / ۳۰)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

از این رو در مکتب امام حسین علیه السلام و کاروان اسرا، یکی از معارف مهم حسینی و زیبایی‌های عاشورا، درس صبر و استقامت است. حوادث و صحنه‌های عاشورا از ابتدا تا پایان اسارت پر از لحظات مهم و سختی است که جز با پایداری، صبر و استقامت، نمی‌توان بر آن پیروز شد. به طور مثال، زمانی که امام حسین علیه السلام در لحظات آخر عمر شریف خویش، حال ایشان به شدت دگرگون شد، صورت خود را به جانب آسمان بلند کرد و فرمود:

صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاكَ الْمُسْتَغِيثِينَ، مَالِي رَبِّ سِوَاكَ، وَلَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَىٰ حُكْمِكَ يَا غِيَاكَ مَنْ لَا غِيَاكَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَهُ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى؛ (مقرم، ۱۳۸۶: ۲۷۵)

خدایا بر حکم تو صبر می‌کنم. هیچ معبودی جز تو نیست ای فریادرس بیچارگان. بر حکم تو شکیبایی می‌ورزم ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد! ای همیشه زوال‌ناپذیر! ای زنده‌کننده مرده‌ها!

صبر و استقامت یکی از آموزه‌های مکتب حسینی است که در حضرت رقیه علیها السلام و شهدای کربلا و کاروان اسرا متبلور گشت؛ چنان که امام حسین علیه السلام به یاران شهیدش فرمود:

صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ! فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ
الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ؟! (صدوق، ۱۴۰۳ / ۲۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۵۴)

صبور باشید، ای بزرگ زادگان؛ زیرا مرگ جز پلی که شما را از رنج و بدبختی به سوی بهشت‌های پرگستره و نعمت جاویدان عبور می‌دهد، نیست. کدام یک از شما خوش ندارد که از زندانی به قصری برده شود؟!

حضرت رقیه علیها السلام نیز تربیت یافته مکتب حسینی است که با وجود سن کم توانست با صبر و استقامت صحنه‌های مصیبت بار کربلا و لحظات سخت اسارت و رنج‌های شام را تحمل کند. البته صبر و استقامت، به معنای پشتکار، تلاش و ایستادگی در مقابل مشکلات و سختی‌هاست.

درفرازی از زیارتنامه حضرت رقیه علیها السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ؛

سلام بر تو، ای که در مظالم بودی و با ارزشت همه را تحمل کرده افشا نمودی.

از این فراز مشخص می‌شود حضرت رقیه علیها السلام با رمز صبر و استقامت توانست مصائب و مشکلات و رنج واقعه تلخ و اسارت را تحمل کند. البته برای درک بهتر موضوع لازم است فضای سخت خرابه شام ترسیم گردد. به طور مثال، شیخ صدوق می‌نویسد:

إِنَّ يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ أَمْرَ بِنِسَاءِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَحُبِسْنَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي مَحْبَسٍ
لَا يُكْفُهُمْ مِنْ حَرٍّ وَلَا قَرٍّ حَتَّى تَقْشَرَتْ وُجُوهُهُمْ؛ (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۷-۱۶۸)

یزید دستور داد اهل بیت امام حسین علیه السلام را به همراه امام سجاد علیه السلام در خرابه‌ای زندانی کنند. آنها در آن جا نه از گرما در امان بودند و نه از سرما؛ به گونه‌ای که بر اثر نامناسب بودن آن محل و گرما و سرمای هوا، صورت‌های شان پوست انداخته بود.

حتی گفته شده است، آن جا خانه خرابه ای بوده، به طوری که بیم آن می رفت سقف آن بر سرشان خراب شود (تبریزی، بی تا: ۲۹۴).

با توجه به این روایت، زندگی در آن شرایط سخت روشن می گردد. تنها با صبر و استقامت می توان در برابر این آزمایش و صحنه های سخت و مصیبت سربلند و پیروز خارج شد.

۳-۴. پایبندی به اصول

یکی دیگر از جلوه های زیبای تربیتی کربلا و حضرت رقیه علیها السلام در مدرسه و مکتب حسینی، پایبندی به اصول است؛ یعنی تحت هر شرایطی نسبت به ارزش های خوب اخلاقی و اصول دینی باید پایبند بود و دست از ارزش ها نکشید. حضرت رقیه علیها السلام با وجود شهادت امام حسین علیه السلام، برداران، بنی هاشم و مصیبت عطش و تحمل اسارت در کوفه و شام، اما همانند برادر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام و عمه بزرگوار، حضرت زینب کبری علیها السلام، هرگز از اصول اخلاقی و دینی دست نکشید حتی دست نیاز به سوی دشمن دراز نکرد و با عزت حسینی و عفت زینبی، پایبند بودن به ارزش های اخلاقی و اصول دینی را به همگان آموخت.

مدرسه و مکتب حسینی مملو از درس ها و عبرت ها، از جمله پایبندی به اصول است. از جمله این که:

۱. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، در میدان جنگ تا متوجه وقت شرعی نماز ظهر می شود، از ادامه جنگ دست می کشد و به اقامه نماز می ایستد، در حالی که دشمن مانع نماز خواندن امام علیه السلام می شد؛ اما عمر بن ابی قریظ انصاری با سپر قرار دادن خود، در راه اقامه نماز به شهادت رسید. او با همه وجود تیرها را به جان می خرید و فداکاری می کرد و اجازه نمی داد دشمن، سالارش حسین علیه السلام را هدف گیرد و همچنان دلیرانه پیکار کرد تا پیکرش از زخم ها پوشیده شد و غرق در خون گردید. او از امام حسین علیه السلام پرسید: «أوفیت؟؛ آیا رسم وفاداری را بجا آوردم؟». امام علیه السلام فرمود: «نعم، أنت امامی فی الجنة، فأقرئ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم السلام واعلمه أنتی فی الاثر؛ آری، نیکو فداکاری کردی. تو پیش از من



به بهشت پرتراوت و زیبا می‌رسی؛ پس سلام مرا به پیامبر خدا برسان و به آن حضرت بگو که من نیز به زودی خواهم آمد» و آن‌گاه جان را در بستر شهادت، به جان‌آفرین تسلیم کرد (ابن‌نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

۲. از فاطمه صغرا علیها السلام روایت شده است که فرمود: در جلوی خیمه ایستاده بودم و به کشته‌ها نظاره می‌کردم و در این اندیشه بودم که حال بر سر ما چه خواهد آمد؟ ناگاه متوجه شدم که مردی سوار بر اسب، زنان را با نیزه‌اش تعقیب می‌کند و زنان در حالی که لباس‌ها و زینت‌هایشان به غارت رفته به یکدیگر پناه می‌برند و فریاد بر می‌آورند:

وَاجِدَاهُ وَابْتَاهُ، وَاعْلَاهُ، وَاقِلَّةَ نَاصِرَاهُ وَاحْسَنَاهُ، أَمَا مِنْ جُبَيْرٍ يُحِيرُنَا، أَمَا مِنْ زَائِدٍ يَذُودُ عَنَّا.

تا آن‌که آن مرد متوجه من شد و با نیزه به سویم حمله کرد. من به صورت بر زمین افتادم، گوش‌هایم را درید و گوشواره از گوشم خارج کرد و مقنعه از سرم ربود. خون از گوش‌ها برگرفته‌هایم جاری بود. با سر برهنه بی‌هوش بر زمین افتادم، چون به هوش آمدم، دیدم عمه‌ام در کنارم نشسته، گریه می‌کند.

گفتم: «یا عمّتا! هل من خزقة أشتربها رأسي؛ عمّه جانم! آیا پارچه‌ای هست که سرم را با آن بپوشانم؟» عمه‌ام فرمود: «یا بنتاه! وعمّتك مثلك؛ دخترم! عمّه‌ات نیز مانند تو است.»

نگاه کردم، دیدم عمه‌ام نیز سر برهنه است و تمام بدنش بر اثر ضربات دشمن سیاه شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۶۰؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۱/۲۳۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۷/۳۰۵).

به رغم این مصیبت عظیم، اهل حرم همواره سعی می‌کردند در هر شرایطی به اصول دینی و ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند، در حالی که در آن لحظات سخت، دختر امام حسین علیه السلام به عمه‌اش فرمود: «یا عمّتا! هل من خزقة أشتربها رأسي؛ عمّه جانم! آیا پارچه‌ای هست که سرم را با آن بپوشانم؟» این بزرگ‌ترین درسی است که اهل بیت علیهم السلام می‌توانند به زنان و دختران مسلمان بدهند که حفظ عفاف و حجاب یک دستور قرآنی (نک: نور/ ۳۱؛ احزاب/ ۵۹) و دینی است که در سیره اهل بیت علیهم السلام به آن توصیه اکید

شده است و نباید به بهانه‌های واهی و پوچ از آن دست کشید.

۳. حضرت زینب علیها السلام وقتی به همراه کاروان اسرا وارد شام شدند و به کاخ یزید آمدند، در اولین خطبه‌ای که در مقابل یزید ملعون خواند، این‌گونه فرمود:

أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ مُحَمَّدِيَّكَ حَزَائِكَ وَإِمَاءَكَ وَسَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا
قَدْ هَتَكَتْ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ؛ (نک: ابن نما حلی، ۳۷:۱۳۸۰؛ حسینی موسوی،
۱۴۱۸:۲/۳۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳:۴۵/۱۳۴)

ای پسر آزاد شدگان! آیا از عدالت توست که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای
دهی و دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به اسیری ببری و سوق دهی؟ تو چادرهای
ایشان را برداشتی و صورت‌های آنان را باز نمودی.

در این فراز از خطبه، حضرت زینب کبری علیها السلام به اهمیت مسائل شرعی در زمینه
رعایت عفاف و حجاب حتی در آن لحظات سخت تأکید می‌کند.

۴. بانوان حرم امام حسین علیه السلام، حضرت زینب، حضرت ام کلثوم، حضرت سکینه و
حضرت رقیه علیها السلام در بین آن اسیران، در خرابه بی‌سایبان شام بودند تا آن‌که پوست
صورت‌های شان ترک برداشت. آنها در تمام طول روز و شب مشغول عزاداری و گریه بر امام
حسین علیه السلام و دیگر شهیدان بودند (نک: مفید، ۱۴۱۳:۲/۱۲۲؛ تبریزی، بی‌تا: ۲۷۶).

بنابراین یکی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام و مدرسه حسینی، پایبندی به
اصول بود که این ارزش در سایه استقامت و ولایت‌مداری محقق می‌شود؛ چنان‌که از امام
رضا علیه السلام از تفسیر استقامت در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت/
۳۰) پرسیدند. امام علیه السلام فرمود: «هی و الله ما أنتم علیه؛ استقامت همان روش ولایتی است
که شما دارید» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵:۴/۳۵۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴:۴/۷۸۹). از این رو
پذیرش رهبری ائمه اهل بیت علیهم السلام ضامن بقای خط توحید و روش اصیل اسلام و ادامه
عمل صالح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:۲۰/۲۷۱).

۴-۴. گذشت و ایثار

درس گذشت و ایثار یکی از جلوه‌های زیبای تربیتی حضرت رقیه علیها السلام بود؛ درسی که

این کودک با معرفت امام حسین علیه السلام بر همگان آموخت. ایشان در خرابه شام وقتی پذیرای پدرش شد و شروع با سخن کرد، از مشکلات و سختی‌ها خود کلامی به میان نیاورد؛ بلکه مشکلات و سختی‌ها و مصائب کاروان اسراگفت تا ماهیت قیام کربلا زنده بماند. ایشان از خود گذشت تا به خدا برسد و در جوار امام حسین علیه السلام آرام بگیرد و از رنج و مصیبت‌ها رهایی یابد.

درس گذشت و ایثار را باید از عباس علیه السلام، علمدار امام حسین علیه السلام آموخت؛ آن هنگام که شمر، برای عباس علیه السلام و برادرانش امان نامه آورد، با ایثار و گذشت، جان برادر را بر خود مقدم داشت و حاضر به ترک امام حسین علیه السلام نشد (نک: مفرم، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۹)؛ یا وقتی با لب تشنه به آب رسید، اما به یاد تشنگی برادرش امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام افتاد؛ آب را ریخت و مشک را پراز آب کرد و به دوش راست انداخت و روبه خیمه‌ها کرد. راه را بر او بستند (قمی، ۱۳۷۹: ۴۲۴) و او را ناجوانمردانه به شهادت رساندند، در حالی که عطشان بود، اما ایثار و گذشت اجازه سیراب شدن را به او نداد.

درس گذشت و ایثار را باید از کودکان مظلوم و غریب و عطشان امام حسین علیه السلام فراگرفت. عصر عاشورا، دو طفل صغیر از اهل بیت علیهم السلام از ترس و وحشت و عطش بی حد جان دادند. زینب علیها السلام در شب یازدهم به جمع‌آوری دختران و کودکان اهل بیت علیهم السلام پرداخت؛ دید دو نفر از کودکان برادرش نیستند. پس از آن‌که برای پیدا کردن آنها به جست‌وجو پرداخت، دید هر دو دست به گردن یکدیگر انداخته و خوابیده‌اند. همین‌که خواست آنان را بیدار کند، دید از شدت عطش از دنیا رفته‌اند.

وقتی مأموران از این جریان آگاهی یافتند، خیرا به ابن سعد گزارش دادند. او اجازه داد برای کودکان آب بیاورند. وقتی برایشان آب آوردند، تمام آنان روی از آب برگرداندند و گفتند: «کیف نشرب و قد قتل ابن رسول الله عطشانا؛ چگونه آب بیاشامیم با این‌که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را با لب تشنه شهید کردند؟» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

۴-۵. سبک زندگی اسلامی

یکی از جلوه‌های مهم تربیتی حضرت رقیه علیها السلام توجه به سبک زندگی اسلامی است. با

نگاهی گذرا به سیره و تاریخ زندگانی حضرت رقیه علیها السلام می‌توان چند نکته تربیتی درباره سبک زندگی اسلامی برداشت کرد که برای همگان قابل استفاده است. از این روایث معصومین علیهم السلام یک الگوی خوب و ارزشی در زمینه سبک زندگی اسلامی هستند. اما به برخی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام در سبک زندگی اسلامی اشاره می‌گردد:

۴-۵-۱. ازدواج

حضرت رقیه علیها السلام از والدینی خوب متولد شد و در خانواده‌ای اسلامی و مدرسه حسینی رشد پیدا کرد و جاودانه شد. بنابراین اولین نکته تربیتی در سبک زندگی اسلامی، توجه به امر مقدس ازدواج و تشکیل خانواده با ملاک و معیار آموزه‌های دینی است. اگر ازدواج افراد بر اساس معیار درست نباشد، نمی‌توان به طور قاطع در تربیت خانواده و فرزندان موفق بود؛ زیرا چارچوب تربیت از بنیان، خراب و اشتباه است.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟ در پاسخ می‌توان اظهار داشت، قرآن کریم و روایات به این موضوع اشاره نموده و ملاک‌هایی از جمله ایمان و دین‌داری (نک: بقره/ ۲۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۵۹۳)، اخلاق (نک: نساء/ ۱۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۷۶)، هم‌کفو بودن (نک: نور/ ۲۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۶۳۱)، شرافت و اصالت خانوادگی (نک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۵۹۲)، عقل (نک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/ ۶۵۰) بر شمرده‌اند. البته به برخی دیگر از ملاک‌ها و معیارها، مانند جمال و زیبایی، سواد و دانش، مال و ثروت، تناسب در سن، سلامت جسم و سلامت از آلودگی و اعتیاد نیز باید توجه کرد.

بنابراین مرحله و گام اول در سبک زندگی اسلامی ازدواج و تشکیل خانواده بر اساس مدل‌ها و الگوهای آموزه‌های دینی است. در این صورت خانواده‌ای موفق تشکیل خواهند یافت.

۴-۵-۲. انتخاب نام نیک

از جمله سنت‌های حسنه در سبک زندگی اسلامی، انتخاب نام نیک و شایسته

است. امام حسین علیه السلام نام رقیه را برای فرزندش انتخاب می‌کند، گرچه برخی فائلند نام اصلی رقیه، فاطمه بوده و رقیه لقب ایشان بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین علیه السلام کمتر به چشم می‌خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین علیه السلام باشد، وجود دارد (نظری منفرد، ۱۳۷۹ / ۵۱۸). البته بعضی از فرزندان امام حسین علیه السلام دو اسم داشته‌اند و امکان تشابه اسمی نیز در فرزندان ایشان وجود دارد؛ چنان که نقل شده است:

در میان کودکان امام حسین علیه السلام دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین علیه السلام مادر بزرگوارش را بسیار دوست می‌داشت، هر فرزند دختری که خدا به ایشان می‌داد، نامش را فاطمه می‌گذاشت؛ همان‌گونه که هرچه پسر داشت، به احترام پدرش امام علی علیه السلام او را علی می‌نامید. گفتنی است سیره دیگر امامان نیز در نام‌گذاری فرزندان چنین بوده است. (تبریزی، بی تا: ۱۴۲)

بنابراین آنچه در سیره ائمه معصومین علیهم السلام و نام زیبای حضرت رقیه علیها السلام وجود دارد، آن است که یکی از وظایف تربیتی والدین، انتخاب نام نیک و شایسته برای فرزندان است:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛ (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۷۲۵، ج ۳۹۹)

حق فرزند بر پدر، آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد.

انتخاب نام خوب در شکل‌گیری شخصیت او در بزرگسالی، می‌تواند نقش داشته باشد؛ اما الفاظ و اسامی نیکو به تنهایی نمی‌توانند آدمی را به سعادت برسانند، بلکه مقصود از روایات این است که نام‌های نیکو زمینه روانی و تلقینات روحی و اجتماعی مثبتی فراهم می‌کنند که اگر شخص صاحب نام در افاق آن قرار گیرد و به اخلاق والای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره اهل بیت علیهم السلام آراسته گردد، به حقیقت پیوسته و راه بهشت را به روی شخص می‌گشاید (مروجی طبسی، ۱۳۸۸ / ۳۹).

۴-۵-۳. تربیت فرزند

یکی از مولفه‌های مهم درسبک زندگی، توجه به تربیت فرزند است. این موضوع با توجه به جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام ازدو جنبه قابل بررسی است:

الف) اهمیت تربیت فرزند

حضرت رقیه علیها السلام در خانواده‌ای پرورش یافت که والدین به کسب فضایل اخلاقی و رشد معنوی یعنی تربیت فرزند توجه داشته‌اند. لذا آن حضرت علیها السلام در سایه تربیت دینی به مقام و مرتبه معنوی و معرفت بالا دست پیدا کرد و یکی از بهترین الگوها در امر تربیت فرزند است.

در آموزه‌های دینی به تربیت فرزند بسیار اهمیت داده شده است؛ زیرا تشکیل خانواده، فقط به فرزندآوری نیست، بلکه والدین در امر تربیت فرزند مسئول هستند؛ چرا که فرزند با تربیت صحیح و درست، راه سعادت و نجات را پیدا کرده و از انحرافات اخلاقی محفوظ می‌ماند. همچنین نتیجه و ثمره تربیت فرزند به والدین برمی‌گردد. در روایات نیز یکی از مصادیق باقیات صالحات، فرزند صالح است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمودند:

إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَدِدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ؛ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱ / ۱)

هرگاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می‌شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه، یا عملی که از آن سود می‌برند، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند.

بنابراین حضرت رقیه علیها السلام فرزندی صالح و تربیت شده از خانواده و پدری صالح بوده است.

ب) لزوم تربیت فرزند از کودکی

یکی از نکات درس آموز تربیتی حضرت رقیه علیها السلام آن است که ایشان در سنین کودکی تربیت یافته مدرسه حسینی است. از این رو والدین باید به امر مقدس تربیت فرزند از سنین کودکی توجه داشته باشند؛ زیرا شخصیت و رفتار فرزند، از همان سنین کودکی



شکل می‌گیرد. بدین جهت لازم است نکات تربیتی به تدریج از همان سنین پایین به کودک آموزش داده شود.

در آموزه‌های دینی نیز به این نکته تربیتی توجه شده است. به طور مثال، حضرت علی علیه السلام در نامه خویش به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُتِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَسْئُرَ قَلْبُكَ وَيَسْتَعْلَلُ لُبُّكَ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴/۷۰)

قلب کودک همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول گردد.

دلیل این مطلب آن است، تعلیماتی که در کودکی (و جوانی) داده می‌شود همچون نقشی است که بر سنگ بزنند؛ نقشی ثابت، عمیق و پایدار؛ اما در مقابل، فراگیری در بزرگسالی همچون نقشی است که بر آب زنند، (نقشی گذرا و ناپایدار. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶/۶۷).

۴-۵-۴. محبت به فرزند

یکی دیگر از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام و تاریخ زندگانی ایشان در سبک زندگی اسلامی آن است که والدین باید نسبت به فرزند محبت کنند و به عاطفه کودکان توجه کنند؛ چنان که در روایات آمده است امام حسین علیه السلام دارای دخترکی خردسال [به نام رقیه] بود که او را بسیار دوست می‌داشت. او نیز علاقه شدیدی به پدر داشت (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

در سبک زندگی اسلامی و در آموزه‌های دینی، اظهار محبت و علاقه به فرزند می‌تواند در رشد اخلاقی و تربیتی فرزند مؤثر باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت محبت به فرزندان فرمود:

أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا، فُفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَيْدِيَكُمْ تَرْزُقُوهُمْ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۴۹)

به بچه‌ها محبت کنید و بر آنان ترحم نمایید و هرگاه به آنان وعده‌ای دادید، بدان وفا کنید؛ چون اینان شما را روزی رسان خویش می‌دانند.

در بحث محبت به فرزند روایات بسیاری وجود دارد - که یک مورد آن گذشت - که بیانگر اهمیت موضوع است؛ اما در این بحث سه نکته مهم وجود دارد:

الف) نتیجه معنوی محبت

در روایات اسلامی بر ضرورت محبت به فرزندان توصیه شده است که این در رشد تربیتی، خودباوری و شکل‌گیری فرزند نقش مهمی دارد. اما از سوی دیگر خداوند پاداش محبت به فرزند را ضایع نمی‌سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ؛ (کلینی، ۱۱: ۱۴۲۹ / ۴۴۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۸۳)

همانا پروردگار بنده‌اش را به دلیل زیادی مهرورزی نسبت به کودک خود می‌بخشاید.

در روایتی نبوی آمده است:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۳ / ۱۳۸۷)

هرکس فرزند خود را ببوسد خدا بر او پاداشی می‌نویسد و هرکس فرزندش را خوشحال کند، خدا او را در روز ستاخیز شاد می‌گرداند.

ب) توجه بیشتر به دختر

امام حسین علیه السلام دختر خود حضرت رقیه علیها السلام را بسیار دوست می‌داشت (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). این توجه و محبت بیشتر به فرزند دختر، یک ارزش معنوی برای دختران به شمار می‌آید. اگرچه اسلام میان فرزند دختر و پسر فرقی قائل نیست، اما در دوره جاهلیت یک تفکر غلط و نابجا نسبت به فرزند دختر وجود داشت. از این رو خداوند در قرآن کریم این تفکر را مذمت نموده است (نک: نحل / ۵۸ - ۵۹). البته تحقیق و درهم



شکستن شخصیت زن، تنها در میان عرب جاهلی نبود، بلکه در میان اقوام دیگر و حتی شاید متمدن‌ترین ملل آن زمان نیز، زن شخصیتی ناچیز داشت و غالباً با او به صورت یک کالا و نه یک انسان رفتار می‌شد، ولی مسلماً عرب جاهلی این تحقیر را در آشکال زنده‌تر و وحشتناک‌تری انجام می‌داد. ولی اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید، مخصوصاً تولد دختر را که ننگ می‌دانستند در احادیث اسلامی به عنوان گشوده شدن ناودانی از رحمت خدا به خانواده معرفی کرد. خود پیامبر ﷺ آن قدر به دخترش فاطمه علیها السلام احترام می‌گذاشت که مردم تعجب می‌کردند. آن حضرت با تمام مقامی که داشت، دست دخترش را می‌بوسید و به هنگام بازگشت از سفر، با نخستین کسی که دیدار می‌کرد، دخترش فاطمه علیها السلام بود. به عکس، هنگامی که می‌خواست به سفر برود، به آخرین خانه‌ای که برای خدا حافظی می‌رفت، خانه فاطمه علیها السلام بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/ ۲۷۴-۲۷۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روایتی، برای دختران صفات خوب و نیک را برمی‌شمرد که برای دختریک ارزش است:

نَعْمَ الْوَلَدُ الْبِنَاتُ مُطْفَاتٌ، مُجَهَّزَاتٌ، مُوْنِسَاتٌ، مُبَارَكَاتٌ، مُفْلِيَاتٌ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۶/۱۱)

دختران، چه فرزندان خوبی هستند؛ مهربان، با جهاز، اهل انس و الفت، با برکت و با نظافت‌اند.

از این رو در آموزه‌های دینی، روایات بسیاری در اهمیت و ارزش دختر در اسلام وارد شده است که در این نوشتار نمی‌گنجد. اما هدف امام حسین علیه السلام و سبک زندگی اسلامی، آن است که دختر در اسلام ارزش و جایگاه خوب و والایی دارد.

ج) رعایت حدود محبت

اسلام در اهمیت محبت به فرزند بسیار سخن گفته است؛ اما نباید در آن افراط و تفریط داشت، بلکه باید اعتدال داشت و از محبت کردن، تشویق و تنبیه درست استفاده کرد؛ زیرا محبت، تشویق و تنبیه، ابزارهای لازم برای تربیت فرزندان به شمار می‌آیند. از

این روگرا از این ابزار درست استفاده نشود، تربیت فرزند اصولی نخواهد بود. در روایات نیز بیان شده است که دوست داشتن خانواده و محبت به آنان باید حد و اندازه داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

يَابْنَ مَسْعُودٍ! إِيَّاكَ أَنْ تَدَعَ طَاعَةَ اللَّهِ وَتَقْصِدَ مَعْصِيَتَهُ شَفَقَةً عَلَىٰ أَهْلِكَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا﴾ (لقمان: ۳۳)؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱: ۳/ ۴۳۵)

ای پسر مسعود! مبدا دلسوزی برای خانواده‌ات، باعث شود که طاعت خدا را و نهی و نافرمانی‌اش را درپیش‌گیری؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید، و بترسید از روزی که هیچ پدری، به کار فرزندش نمی آید، و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد.

البته باید توجه داشت که افراط در محبت خانوادگی، به گونه‌ای که موجب غفلت از خداوند متعال و ارزش‌های اسلامی و انسانی شود، به شدت نکوهیده است. از این رو قلمرو دوستی و اظهار محبت نسبت به خانواده، محدود به مقررات اسلامی است. امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

سَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ سَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعُتُوقِ؛ (همو) بدترین پدران کسی است که [در نیکی از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان فرزندی است که در اثر کوتاهی پدر و مادر [در انجام وظیفه، کاری کند که] به عاق والدین دچار شود.

بنابراین در اسلام درباره محبت کردن به زن و فرزند، توصیه و تأکید نموده است، اما نباید از حدود و اعتدال خارج شود.

۴-۵-۵. محیط زندگی

از دیگر جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام در سبک زندگی آن است که محیط، اطرافیان و دوستان در تربیت افراد رابطه مستقیم دارند؛ چنان که حضرت رقیه علیها السلام در محیطی تربیت و پرورش یافته است که امام حسین، امام سجاد، حضرت زینب،

حضرت ام کلثوم، حضرت عباس، حضرت علی اکبر، حضرت امام محمد باقر علیه السلام و... وجود داشته اند. بنابراین والدین نسبت به محیط کودکان و هم بازی آنان نباید بی تفاوت باشند.

بنابراین نص صریح قرآن، محیط زندگی (شامل دوست و... در تربیت و هدایت و شکل گیری شخصیت افراد رابطه دارد (نک: فرقان: ۲۷ - ۲۹). این تأثیر پذیری تا آن حد است که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَيَّ حُلُطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۷/۷)

هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید به دوستانش نظر کنید؛ اگر اهل دین و آیین خدا باشند او نیز پیرو آیین خداست، و اگر بر آیین خدا نباشند او نیز بهره ای از آیین حق ندارد.

بنابراین با توجه به سیره زندگانی حضرت رقیه علیها السلام و آیه شریفه و روایاتی که در این باب وجود دارد، روشن می شود که بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان - بعد از اراده و خواست و تصمیم او - امور مختلفی است که از اهم آنها همنشین و دوست و معاشرت است؛ چرا که انسان خواه و ناخواه تأثیر پذیراست و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می گیرد. این حقیقت هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به ثبوت رسیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۷۲-۷۳). همچنین والدین به طور درست و شایسته بر رفتار فرزندان به ویژه درباره دوستانشان نظارت داشته باشند، حتی در روایتی از امام حسن علیه السلام [خطاب به فرزندش] وارد شده است که بدون تحقیق فردی برای دوستی انتخاب نکنیم:

يَا بَنِيَّ لَا تُوَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْحَبْرَةَ وَ رَضِيَتْ الْعُسْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُوَاَسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۵/۷۵)

فرزندم! پیش از آن که از چگونگی ورود و خروج کسی در کارها آگاه شوی، دست

برادری به او مده. پس هرگاه کسی را آزمودی، و آمیزش با او را پسندیدی، با او دست برادری بده، بدان شرط که لغزش‌های یکدیگر را نادیده گیرید، و به هنگام تنگدستی چیزی از یکدیگر دریغ نداشته باشید.

نتیجه

این مقاله با طرح سؤال «جلوه‌های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه علیها السلام در مکتب حسینی چیست؟» به دنبال تبیین جلوه‌هایی تبلیغی و تربیتی آن حضرت علیها السلام برآمد و به این موضوع به صورت روشی و هدفمند پرداخت تا برای محققان، طلاب و دانشجویان و مبلغان دینی قابل استفاده باشد.

در این پژوهش تلاش شد به سؤالات مهمی همچون «چرا امام حسین علیه السلام خانواده خود را به کربلا برد؟»، «چرا باید به حمایت از مظلوم پرداخت؟» و «ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟» پاسخ داده شود.

یکی از محسنات پژوهش آن بود که به اسناد قرآنی و روایی حمایت از مظلوم اشاره گردید و فلسفه حمایت از مظلومان عالم تبیین شد.

در جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه علیها السلام، یکی از موضوعات مهم تربیتی - اجتماعی، بحث سبک زندگی اسلامی است که در آن به مؤلفه‌هایی همچون ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت فرزند، محبت به فرزند و... پرداخته شد و به نقش محیط زندگی و دوستان در تربیت و انحراف افراد و فرزندان اشاره گردید.

البته سعی شد به طور کلی و فهرست‌وار به ملاک‌ها و معیارها ازدواج درآموزه‌های دینی، مانند ایمان و دینداری، اخلاق نیکو، هم‌کفو بودن، شرافت و اصالت خانوادگی، عقل، جمال و زیبایی، سواد و دانش، مال و ثروت، تناسب درس، سلامت جسم و سلامت از آلودگی و اعتیاد اشاره شود. در این صورت خانواده‌ای موفق شکل خواهد گرفت.

یکی از نکات مهم تربیتی حضرت رقیه علیها السلام آن است که باید به تربیت فرزند از سنین کودکی توجه کرد. البته نباید از اعتدال خارج شد و به سمت افراط و تفریط رفت.



همچنین والدین بدانند، خداوند پاداش تربیت فرزند را برای والدین ضایع نمی‌کند. از آن جا که امام حسین علیه السلام دختر خود حضرت رقیه علیها السلام را بسیار دوست می‌داشت، روشن شد که اسلام همواره برای دخترارزش قائل است تا با تفکر جاهلیت در آن روز و عصر حاضر در قبال دختران مبارزه کند.



منابع

- ابراهیمی فر، علی اصغر (۱۳۸۵ش)، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، قم، بی نا، چاپ اول.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، بی نا، چاپ دوم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰ش)، لهوف، ترجمه: میرابوطالبی، قم، بی نا، چاپ اول.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، بی نا، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، بی نا، چاپ سوم.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۳۸۰ش)، درسوگ امیرآزادی (ترجمه مشیرالاحزان)، قم، چاپ اول.
- امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، أعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال، قم، بی نا، چاپ اول.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ق)، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر، قم، بی نا، چاپ اول.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۹ش)، سیره پیشوایان، نگرشی بر زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ یازدهم.
- تبریزی، جعفر (بی تا)، تحقیق و پژوهشی پیرامون حضرت رقیه علیها السلام، قم، دارالصدیقة الشهیده.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت، بی نا، چاپ اول.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه

مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، موسسه دائرة المعارف اسلامی بر مذهب
اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.

- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۶ق)، صحیفه الإمام الرضا علیهم السلام، مشهد، بی نا، چاپ اول.
- حائری مازندرانی، محمد مهدی (۱۳۹۱ش)، معالی السبطين (بخش امام حسین علیهم السلام)،
ترجمه: مرتضی فهمیم کرمانی، قم، صحیفه خرد، چاپ دوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، بی نا، چاپ اول.
- حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب (۱۴۱۸ق)، تسلیة المُجالس وزینة المَجالس
(مقتل الحسین علیهم السلام)، قم، بی نا، چاپ اول.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم، الحدیثة، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دمشق،
چاپ اول.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹ش)، نهج البلاغة، ترجمه: محمد دشتی، قم،
بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول.
- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، بی نا، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیهم السلام، تهران، بی نا،
چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم، بی نا، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، بی نا،
چاپ دوم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی
محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم،
چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، بی نا، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان.

- _____ (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، چاپ دوم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ش)، نفس المهموم (ترجمه: در کربلا چه گذشت)، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دهم.
- کرمی، بختیار (۱۳۸۵ش)، نقش تبلیغی حضرت سجاد علیه السلام در واقعه کربلا، تهران، نشر اوحدی، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱ش)، دانشنامه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا آذیر و علیرضا شیخی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
- مروجی طبسی، محمد جواد (۱۳۸۸ش)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوازدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و چهارم.
- _____ (۱۳۷۹ش)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، چاپ اول.
- مقرر، سید عبدالرزاق (۱۳۸۶ش)، مقتل مقرر، ترجمه: محمد جواد مولوی نیا، قم، انتشارات جلوه کمال، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول.
- _____ (بی تا)، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نظری منفرد، علی (۱۳۷۹ش)، قصه کربلا، قم، انتشارات سرور.